

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلٰوةُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلٰی اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِينَ اِلٰی یَوْمِ الدِّینِ.

مروری بر کتاب شریف ۱

امام خمینی قدس سره اهداف نگارش این کتاب شریف را در مقدمه کتاب به زبان مناجات با پروردگار متعال چنین بیان می‌فرماید:

هدایت به صراط مستقیم انسانیّت: «خداوندا، ما را به صراط مستقیم انسانیّت هدایت فرما» امام راحل(ره) در تفسیر عرفانی خود صراط مستقیم را چنین معنا می‌کند: صراط مستقیم همین صراط اسلام است که صراط انسانیّت است، که صراط کمال است که راه به خدا است. سه راه هست، یک راه "مستقیم" و یک راه شرقی "مغضوب علیهم" و یک راه غربی "ضالین". این راه مستقیم را اگر چنانچه بدون انحراف به این طرف و آن طرف ... طی کردید، این راه مستقیم، منتهی به خدا می‌شود. (سخنرانی در جمع پاسداران و نظامیان - ۱۳۵۹/۳/۷)

این همان معنای سخن امیرمؤمنان علی (ع) است، که فرمودند: **"الیمین و الشمال مضلّاه و الطريق الوسطی هی الجاده"**. انحراف به راست و چپ سبب گمراهی و ضلالت است و راه میانه و مستقیم، جاده وسیع [الهی] است» [نهج البلاغه، خطبه ۱۶، بند ۷]. امام صادق (ع) در معنای آیه **"اهدنا الصراط المستقیم"** فرمودند: یعنی **"ارشدنا الی لزوم الطريق المؤدی الی محبتک و المبلغ الی جنتک و المانع من ان تتبع اهواءنا فنعطب او ان ناخذ بآرائنا فنهلک"**. خداوندا ما را بر راهی که به محبت تو می‌رسد و به بهشت واصل می‌گردد، و مانع از پیروی هوسهای کشنده و آراء انحرافی و هلاک کننده است، ثابت بدار؛ (تفسیر صافی، ج ۱، ذیل آیه ۶ سوره حمد) امام (ع)، صراط مستقیم را به راهی تفسیر نموده است که انسان‌ها را به محبت و بهشت خداوند برساند و از پیروی هواها و آرای نفسانی که موجب هلاکت می‌گردد، جلوگیری نماید.

بگذر از خویش اگر عاشق دلباخته ای که میان تو و او جز تو کسی حایل نیست
ما در این ره حجاب خویشنتیم ورنه روی تو در برابر ماست

از جهل خودپسندی و ضلالت خودبینی مبرا کن: « خداوندا، ما را ... از جهل خودپسندی و ضلالت خودبینی مبرا کن » در وصیت امام به فرزندش احمد در مقدمه خواندیم که فرمود: « فرزندم، از خودخواهی و خودبینی به در آی که این ارث شیطان است، که به واسطه خودبینی و خودخواهی از امر خدای تعالی به خضوع برای ولیّ و صفی او جلّ و علا سرباز زد. و بدان که تمام گرفتاریهای بنی آدم از این ارث شیطانی است که اصل اصول فتنه است؛ و شاید آیه شریفه **و قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ لِلَّهِ [انفال / ۳۹]** در بعض مراحل آن، اشاره به جهاد اکبر و مقاتله با ریشه فتنه که شیطان بزرگ و جنود آن، که در تمام اعماق قلوب انسانها شاخه و ریشه دارد، باشد. و هر کس برای رفع فتنه از درون و برون خویش باید مجاهده نماید. و این جهاد است که اگر به پیروزی رسید همه چیز و همه کس اصلاح می شود».

بردار حجاب از میان تا یابد بردار حجاب تا جمالش بینی راهی به رخ تو چشم بیگانه من تا طلعت ذات بی مثالش بینی

بار یافتن به محفل انس ارباب عروج روحانی و مقام قدس اصحاب قلوب عرفانی: « خداوندا، ما را ... به محفل انس ارباب عروج روحانی و مقام قدس اصحاب قلوب عرفانی بارده » عروج روحانی یا سیر و سلوک عرفانی در مضامین آیات و روایات فراوان و در کتب عرفای اسلام به تفصیل ذکر گردیده، در قرآن می خوانیم: **وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ** (ذاریات / ۲۰ و ۲۱). « و برای اهل یقین در زمین نشانه هایی است و نیز در درون خودتان؛ پس آیا نمی نگرید؟ » ملامحسن فیض کاشانی در کلمات مکنونه خود آورده است. قال الله تبارک و تعالی: **«مَنْ طَلَبَنِي، وَجَدَنِي وَ مَنْ وَجَدَنِي، عَرَفَنِي وَ مَنْ عَرَفَنِي، أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَحَبَّنِي، عَشِقَنِي وَ مَنْ عَشِقَنِي، عَشِقْتُهُ. وَ مَنْ عَشِقْتُهُ، قَتَلْتُهُ وَ مَنْ قَتَلْتُهُ، فَعَلَى دِيْنَتِهِ وَ مَنْ عَلَى دِيْنَتِهِ، فَأَنَا دِيْنُهُ»**. «آن کس که مرا طلب کند می یابد، آن کس که مرا یافت می شناسد، آن کس که دوستم داشت به من عشق می ورزد، آن کس که به من عشق ورزید من نیز به او عشق می ورزم، آن کس که به او عشق ورزیدم کشته ام می شود و آن کس که کشته ام شود خون بهایش بر من واجب است و آن کس که خون بهایش بر من واجب است پس من خودم خون بهایش هستم.» فراز «من طلبنی وجدنی» از این حدیث قدسی در حدیث دیگری خطاب به حضرت داود (ع) آمده است « یا داود بلغ اهل الارض انی حبیب من احبنی و جلیس من جالسنی و مونس لمن انس بذکری و

صاحب لمن صاحبنی و مختار لمن اختارنی و مطیع لمن اطاعنی و ما احبنی احد من خلقت ذلک من قلبه الا احبته حبا لا یتقدمه احد من خلقتی من طلبنی بالحق وجدنی و من طلبه غیری لم یجدنی فارضوا یا اهل الارض ما اتم علیه من غرورها و هلموا الی کرامتی و مصاحبتی و مجالستی و مؤانستی و آنسو بی او انسکم و اسارع الی

محبتکم: (الجواهر السنیه، ص ۹۴ - بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۵). خداوند به حضرت داود می فرماید: ای داود من دوست کسی هستم که مرا دوست بدارد، همنشین کسی هستم که با من همنشینی کند، مونس کسی هستم که با ذکر من مأنوس باشد، همراه کسی هستم که با من همراهی کند، برگزیده کسی هستم که مرا برگزیند، مطیع کسی هستم که از من اطاعت کند و دوست نمی دارد مرا هیچ کس از بندگانم که من این دوستی را از قلب او بدانم مگر این که او را دوست می دارم دوست داشتنی که هیچ کس از خلق من قبلا او را دوست نداشته هر کس به راستی مرا طلب کند خواهد یافت و هر کس غیر مرا جستجو کند مرا نخواهد یافت. پس ای اهل زمین دور بیندازید از خودتان آنچه را بر آن هستید از غرور دنیایی و بشتابید به سوی کرامت من و همراهی و همنشینی و انس با من و با من مأنوس شوید تا با شما انس بگیرم و بشتابم به سوی محبت شما» امام خمینی (ره) می گوید: «تمام این مسائل که عرفا در طول کتاب های طولانی خودشان می گویند در چند کلمه مناجات شعبانیه هست، بلکه عرفای اسلام از همین ادعیه و از همین دعاهایی که در اسلام وارد شده است، از اینها استفاده کرده اند.» (صحیفه نور، ۱۲/۲۴۰) و در جای دیگر سوگند یاد می کند که: «به جان دوست سوگند که کلمات نوع آنها [عارفان] بیانات قرآن و حدیث است.» با این تفاوت که آنچه را اهل عرفان مبسوط و در خور فهم گفته اند (در قرآن کریم به طور رمز و سربسته، و در ادعیه و مناجات اهل عصمت بازتر آمده است). (صحیفه نور ۲۲/۳۴۷).

زان که هفتصد پرده دارد نور حق پرده های نور دان چندین طبق

بیرون آمدن از حجابهای ظلمانی و نورانی: «خداوند، ما را ... حجابهای انانیت ظلمانی و انیت نورانی را از چشم بصیرت ما برافکن» اهل معرفت برای حجاب اقسامی نیز ذکر کرده اند که مهم ترین آن، تقسیم حجاب به حجاب ظلمانی و حجاب نورانی می باشد. چنانچه پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در بیانی فرمودند: «إِنَّ لِلَّهِ سَبْعِينَ أَلْفَ حِجَابٍ مِنْ نُورٍ وَ ظِلْمَةٍ (بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۴۵). خدای متعال هفتاد هزار حجاب از نور و ظلمت دارد». منظور از حجاب های ظلمانی، معاصی، گناهان، مفاسد و به طور کلی رذائل اخلاقی است که همواره مانع سیر و سلوک و رسیدن انسان به خدا می گردند. این حجاب ها عبارتند از: حجاب مال، که آن را می توان با بخشش مال از میان برد. حجاب مقام، که آن را می توان با دوری جستن از مناصب دنیوی نابود ساخت. تواضع و دوری از شهرت جویی نیز کمک به از میان بردن حجاب مقام می کند. حجاب تقلید، که با مجاهده علمی صحیح و دوری از مجادله، قابل اصلاح است. حجاب معصیت، که با دوری از گناه و توبه قابل درمان است.» (ترجمه کسر اصنام الجاهلیه، ص ۸۱۶) حتی علمی که باعث جدل، عجب، فخر فروشی، تکبر و.. گردد، جزو حجب ظلمانی قرار می گیرد. اما حجاب های نورانی معانی متفاوتی دارد: با توجه به اینکه برای

رسیدن به حق تعالی باید منازل را طی نمود و از گردنه های صعب العبور سلوکی گذر کرد حجب نورانی عبارت است از هر مرحله از مراحل سیر و سلوک روحانی مانند منزل صبر، رضا، تسلیم، توکل،... که توقف سالک در آن، مانع از صعود به مراحل بالاتر باشد. (ترجمه کسر اصنام الجاهلیه، ص ۸۱۶) در مناجات شعبانیه می خوانیم: «إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَأَنْزِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ، حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجْبَ الثُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظْمَةِ، وَتَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مَعْلَقَةً بَعْدَ قُدْسِكَ» (بحارالانوار: ج ۹۱ ص ۹۹). در شب معراج، آیات الهی به رؤیت حضرت رسول صلی الله علیه و آله درآمدند.

لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى (نجم: آیه ۱۸) امام موسی بن جعفر در توضیح و تفسیر آیه کریمه می فرمایند: «... فلما أُسْرِيَ بِالنَّبِيِّ وَكَانَ مِنْ رَبِّهِ كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى رَفَعَ لَهُ حِجَابٌ مِنْ حُجُبِهِ»؛ شبی که پیامبر به معراج برده شد و به خداوند به مانند دو سر کمان یا نزدیکتر شد، حجابی از حجابهایش برداشته شد (نورالثقلین: ج ۵ ص ۱۴۹) این گونه رؤیت نیازی به برپایی صحنه قیامت ندارد. امام علی علیه السلام می فرمایند: لَوْ كَشَفَ الْغِطَاءَ مَزِدَدْتُ يَقِينًا؛ اگر پرده هم کنار رود بر یقین من چیزی افزود نشود (بحارالانوار: ج ۴۰، ص ۱۵۳).

سعدی حجاب نیست، تو آینه پاک دار زنگار خورده چون بنماید جمال دوست
تو را تا آینه زنگار باشد حجاب دیدن دلدار باشد